



حافظ شاعری فراتر از مرزها/ ویکتور هوگو نیز لسان الغیب را ستود

اندیشه ها و آثار حافظ هیچگاه در مرزهای جغرافیایی محدود نشد و آثار لسان الغیب نه تنها باعث شد که گوته را مجذوب خود کند بلکه در فرانسه نیز ویکتور هوگو را به ستایش و داشت.

خبرگزاری مهر: اندیشه ها و آثار حافظ هیچگاه در مرزهای جغرافیایی محدود نشد و آثار لسان الغیب نه تنها باعث شد که گوته را مجذوب خود کند بلکه در فرانسه نیز ویکتور هوگو را به ستایش و داشت. به گزارش خبرنگار مهر، حافظ را باید به راستی ستاره ای درخشان در آسمان ادبیات جهان نامگذاری کرد که حتی شاعران و ادیبان جهان را نیز به ستایش و داشته است.

از یوهان ولفگانگ فون گوته در آلمان که مجذوب ادبیات ایرانی شد و دیوان غربی شرقی خود را سرود تا ویکتور هوگو که حافظ را می ستود.

در این رابطه خبرنگار مهر با دکتر اسماعیل آذر محقق، مترجم و استاد دانشگاه که در این رهگذر کتابی نیز با عنوان "حافظ در آن سوی مرزها" را نیز نوشته گفتگویی را انجام داده که در ادامه می خوانید.

مهر: اگر ممکن است در نخست کلیتی پیرامون غزل‌های حافظ بفرمایید.

دکتر آذر: حافظ شخصیتی است هزار اندیشه که بر سر هر اندیشه اش هزار نکته آویزان است و از هر نکته ای حکمت و معرفتی می چکد و در هر معرفتی رازی نهفته است. بین این رازها حافظ در گشودن راز هستی فرو مانده است و اقرار دارد: « که کس نگشود و نگشاید به حکمت این معما «

آنچه می توان از هزار توی تفکر او دریافت این است که ما یک حقیقت نخستین داریم که همان سرشته ازلی است. بنابراین آنچه در روی زمین اتفاق می افتد باز نمودی است و یا رهاوردی است 'Archetype' از ماجرای آغازین. به عبارتی دیگر غزل حافظ سفرنامه ای از رویدادهای بین زمین و آسمان است. در این سفر، شرح جدایی ها، هجران، پیمایش حکمت و معرفت الهی، ماجراهای عاشقانه به آن گونه که جان دنبال جانان می گردد وجود دارد.

این دل هرزه گرد من تا شد اسیر زلف او زین سفر دراز خود عزم وطن نمی کند

تا اینکه به وادی فرجامین می رسد و می گوید: عاقبت منزل ما وادی خاموشان است.

به هر روی هستی شناسی ontology سیر تفکر حافظ را باید به نظر بنده از رهاورد این سفر جستجو کرد.

-ریشه های تفکر حافظ را در کجا باید جستجو کرد؟

پاسخ این سوال مستلزم نوشتن یک کتاب است ولی اگر بخواهیم در چند جمله باز گوئیم حافظ از فرهنگ ایرانی، در تمدن اسلامی، در اسطوره ها، در ضمیر عاطفی آریایی، شعر و تفکر پیش از خود به ویژه داستان های شیخ صنعان، حلاج و جز آن بهره برده است.

-آیا غزل حافظ ریشه در افکار ملامتیه هم دارد؟

برای این کار باید منشور ملامتیه را مرور کنیم. اصولاً ملامتیان و قلندریان برآنند که مردم به آنها توجه نکنند می گویند «الملامه ترک السلامه «

حمدون بن قصار پیشوای ملامتیه دو موضوع را فرا نظر دارد:

1- عمل باید با حق باشد و پوشیده از خلق (تا ریا نشود)

2- اگر به خلق مشغول شوی از حق می‌مانی

قلندریان هم نوعی لابلالی‌گری دارند. تفرید و تخریب و خرق عادات. البته دکتر شفیعی کتابی در مورد قلندریه دارد که حایز اهمیت و خواندنی است. طبعاً حافظ نه ملامتی است و نه قلندری است ولی گفتیم که به فرهنگ پیش از خود توجه دارد و هر جا که لازم باشد آن را چاشنی شعر خود می‌کند. بنده دو نمونه از شعر او را می‌آورم:

دل و دینم شد و دلبر به ملامت برخاست گفت با ما منشین کز تو سلامت برخاست

و یا در مورد قلندریه:

هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند

البته قلندران چهار تراش می‌کردند یعنی سر و صورت و سبیل و ابروی خود را می‌تراشیدند تا مورد توجه قرار نگیرند.

- حافظ در عصر خود در چه قاره‌هایی مورد توجه شعرا قرار گرفت و کدامیک از شعرای غیر ایرانی بیشترین تاثیر را از حافظ گرفتند.

آنچه خلخالی در حافظ خود آورده این است که شعر حافظ در روزگارش مرزهای فارس را در نوردیده و به شهرهای دیگر و حتی شبه قاره رفته است. دعوت حاکم بنگال از حافظ و ماجراهایی که پیرامون نپذیرفتن دعوت این حاکم به دلیل مخاطرات دریایی آمده، حاکی از همین نام و نشان حافظ در کشورهای دیگر است.

از نیمه‌های دوم قرن یازدهم کنستانتین آفریقایی کتاب التجارب رازی، پزشک ایرانی را ترجمه کرد و پس از آن آثار دیگری از ابن سینا، فارابی، خوارزمی و امام محمد غزالی ترجمه شد. چنین روندی همراه با جنگ‌های صلیبی سبب شد تا غرب با نام شرق آشنا شود. سفر شخصیت‌هایی مثل فرانسوآمارتن در سال 1604، پیتر و دولاوله 1615 و پس از آنها سفر تاورنیه برای شش بار به ایران، شاردن و دیگران جذابیت‌های شرق را برای غرب بیشتر کرد. گشایش مدارس شرقی سبب شد تا غربی‌ها با زبان فارسی آشنا شوند. حتی دولاوله در سفر خود به شیراز در سر مزار حافظ تحت تاثیر قرار گرفته و شعری سرود:

حافظ شاعر بزرگ در این گور

استخوان‌های فناپذیرش

و نامش را

در هزار توی اوراق، با هنر نوشته است.

در بین کشورهای جهان آلمانی‌های اولین کشوری بودند که در قرن هفدهم میلادی افتخار آشنایی با حافظ را داشتند. آدام اولتاریوس همراه یک هیئت آلمانی نخستین بار به ایران سفر کردند. او از گلستان و بوستان و غزل‌های حافظ مطالبی نوشت که سبب شناسایی صاحب‌نظران آلمانی شد. در سال 1768 سفیر ورشو در انگلیس کنت رویچکی با سر ویلیام جونز انگلیسی آشنا شد. هر دو نفر آنها عاشق زبان فارسی و شاعران ایرانی بودند. رویچکی 16 غزل حافظ را به زبان انگلیسی و آلمانی ترجمه کرد. در اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم خاورشناسان به ارزش واقعی غزلیات حافظ پی بردند.

فون هامر آلمانی هم تحت تاثیر کنت رویچکی و با همکاری او پاره‌ای از غزل‌های حافظ را به زبان آلمانی ترجمه کردند. هامر مجله شرق شناسی را منتشر می‌کرد و مرتب پیرامون حافظ در آن می‌نوشت تا شاعر و درام نویس آلمانی، یوهان ولفگانگ فون گوته از این طریق مجذوب ادبیات گوته که از شخصیت‌های ممتاز و ادبی جهان است در دیوان غربی شرقی خطاب به حافظ می‌گوید « خود را با تو برابر نهادن نشان دیوانگی است؛ گوته مهمترین گام را در شناساندن حافظ به جهان پیمود. از ناموران دیگر که شعر و غزل حافظ را در آلمان مورد توجه قرار دادند می‌توان از شخصیت‌های زیر نام برد.

فردریش روکرت

فون هامر پورگشتال

فردریش اشگلگ

بارتلمی داربلو

تئودور آرنولد و فردریش مگرلین که قرآن مجید را هم ترجمه کردند. حتی گونه شعری دارد به نام «آوای حضرت محمد (ص) و نیز شعر حضرت محمد (ص) ولتر را هم به آلمانی ترجمه کرد.

بین همه مترجمین آلمانی فون پلاتن بهترین ترجمه را از حافظ به دست داد. البته ترجمه هر در در سال 1812 که جز نخستین ترجمه‌های حافظ به زبان آلمانی بود بسیار مورد توجه قرار گرفت.

در کشور انگلیس

از نیمه قرن هفدهم حافظ جای خود را در کشور انگلیس باز کرد. وقتی برای نخستین بار توماس هاید ترجمه غزلیات حافظ را مطالعه کرد، شگفت زده شد. وی از شخصیت‌هایی است که به حقیقت برای زبان و ادبیات فارسی در اروپا زحمات فراوانی را متحمل شد.

«سر ویلیام جونز « قاضی دادگاه بنگال است که در معرفی حافظ نقش بسزایی داشت. پس از جونز، «ریچاردسون « که عاشق حافظ بود به ترجمه‌ای از چند غزل حافظ همت گمارد. از شخصیت‌های انگلیسی دیگر «کارتوماس ل « بود. اگر چه بسیار کم از حافظ ترجمه کرد ولی قابل توجه بود. پس از «توماس ل « جان نات در 131 صفحه کتابی منتشر کرد که حاوی ترجمه‌ای از غزل‌های حافظ به زبان انگلیسی بود. ویلیام اوزلی، جان هادن هیندلی و هری توماس گولبروگ از شخصیت‌های دیگری بودند که در ترجمه غزل‌های حافظ در انگلیس همت گماشتند.

در کشور فرانسه

اصولاً در طول تاریخ اروپا، فرانسویان خود را سردمدار علم و ادب در اروپا می‌دانستند. با این حال در ترجمه شعرهای حافظ رکودی در این کشور حس می‌شد. در فرانسه جز چند غزل حافظ که آن را هم ویلیام جونز انگلیسی به زبان فرانسه ترجمه کرده بود خبری از ترجمه‌های فرانسوی حافظ نبود. «آرتوگی « از فرانسویانی به شمار می‌رفت که حافظ را می‌ستود و در ترجمه بعضی از غزل‌هایش کوشید. هانری ماسه و ونسان مونتلی و روژه لسکو از شخصیت‌های دیگری بودند که حافظ را آنچنان که عظمت داشت به فرانسویان معرفی کردند. تا نیمه قرن هجدهم در فرانسه فقط هانری ماسه بود که بیت غزل حافظ را به زبان فرانسوی ترجمه کرد.

آندره شینه شاعر شوریده بختی که در جریان انقلاب فرانسه در سن 32 سالگی به گیوتین سپرده شد از مترجمان جدی حافظ در فرانسه بود. برتر از همه آنچه گفته آمد ویکتورهوگو قائد رمانتیک‌های فرانسوی بود که حافظ را می‌ستود. او خطاب به خود می‌گوید:

شاعر، کاش در سرزمین عباس‌ها و خسروها

در سرزمین نور و آفتاب

در میان عنبر و عود

چشم به جهان گشوده بوم

شاعران سمبولیک فرانسه چون ژان لاهور در مجموعه اثر خود «پندار « از حافظ الهام پذیرفته است. حتی شاعران مکتب پارناس مثل آرمان رنو هم تحت تاثیر حافظ شعر سروده‌اند.

در فرانسه تریستان کلینگسور شاعر معاصر فرانسوی در مجموعه‌ای به نام شهرزاد چهره زیبایی از حافظ نقاشی کرده است.

بانوی ایران دوست به نام کنت دونوای چنان عاشق ایران، شیراز و اصفهان شده و به حافظ دل سپرده بود که نمی‌توانست ایران بیاید. سمبلی از مزار حافظ در خانه‌اش بنا نهاده بود و هر روز به یاد حافظ لحظه‌هایی کنار آن می‌نشست. از اوست که گفت: «کاش

می‌توانستم در فصل بهار به شیراز بروم و حافظ را ببینم»:.

در کشور آمریکا

نهضت فکری تعالی‌گری در سال‌های 1835 و 1845 در آمریکا شکل گرفت. این مکتب توجه بسیاری از رمانتیک‌ها را به خود جلب کرد. جنبش تعالی‌گری ریشه در مذهب داشت و جویای تعالی در زندگی انسان بود. این مکتب تعالی‌گری Transcendentalism امرسون، متفکر آمریکایی بود. او سفری به اروپا داشت. در اروپا با ترجمه‌های حافظ آشنا شد. امرسون خود یک خطیب و شخصیت مذهبی بود. او چنان شیفته و دلسپرده حافظ شد که اندیشه‌های این شاعر ایرانی را به عنوان پایه‌های مکتب تعالی‌گری خود قرار داد.

.....

گفتگو: هژیر فتحی